

هویت‌یابی،

شکوفایی استعدادها

وسبک زندگی اسلامی

در خانواده و اجتماع

گفت‌وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه علامه عسکری دکتر راضیه زارعی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری رحمته‌اللهه و استاد حوزه علمیه خواهران در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، با تکیه بر سیره و کلام امام شهید، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌اللهه، درباره جایگاه زن در جامعه و بایسته‌های اثرگذاری آنها در اجتماع سخن گفته است که مشروح این گفت‌وگو در ادامه تقدیم حضورتان می‌گردد.

شب‌های بسیار زیادی وجود دارد که زن و مرد و فرزندان ما در خیابان حضور دارند و این خیابان به محل کنشگری آنان تبدیل شده است. زن الگوی سوم، همین زن است؛ زنی که همه نقش‌های خود را ایفا می‌کند و این نقش‌ها را به‌موازات یکدیگر به انجام می‌رساند.

حجاب و شایسته‌سالاری؛

دو مؤلفه کلیدی در الگوی سوم زن

در الگوی سوم زن، بر مسئله حجاب تأکید می‌شود؛ یعنی زن باید زنی محجبه و عقیف باشد و از سوی دیگر، به بحث شایسته‌سالاری نیز اهمیت داده می‌شود. به این معنا که شایسته‌سالاری، چه در اجتماع و چه در خانه، برای ما در اولویت قرار دارد. این‌گونه نیست که صرفاً بگوییم چون فردی زن است، پس نباید برخی مناصب را بر عهده داشته باشد؛ یا اینکه در درون خانه نیز از شایسته‌سالاری غفلت کنیم.

البته این نکته را مستقیماً در ارتباط با سخنان رهبر شهید بیان نمی‌کنم؛ اما بر اساس یک تحقیق می‌توانم آن را مطرح کنم. در بحث حضانت، مشاهده کردم که مثلاً در دیدگاه برخی از فقها، از جمله آیت‌الله خویی رحمته‌اللهه، تعبیری مانند «أشرف الوالدین» یا به این معنا که کدام‌یک برای نگهداری از فرزند شایسته‌تر است، مطرح می‌شود و برای آن، یک‌سری شاخص‌ها نیز ذکر شده است.



لمهم‌ترین وظیفه، از همان آغاز، این است که خود آنان نیز این سبک زندگی را در پیش بگیرند و نسبت به آن التزام داشته باشند و آن را در زندگی خود پیاده کنند. برای مثال، بانوی طلبه‌ای که هم به خانواده خود اهمیت می‌دهد و هم به تربیت فرزندش توجه دارد، اما در عین حال بر رشد فردی خود و مناسبات اجتماعی‌اش نیز تأکید دارد، در عمل محجبه و عقیف است و در عین حال فردی است که به رشد خود اهمیت می‌دهد، خود می‌تواند یک الگو باشد؛ زیرا در عمل در حال غایاندن یک سبک زندگی است.

طلبه‌ها از طریق حلقه‌های میانی نیز می‌توانند نقش‌آفرینی کنند؛ حلقه‌های میانی‌ای که میان حکومت و مردم قرار دارند، مانند مساجد، پایگاه‌های بسیج، خودِ خیابان که اکنون برای ما به یک خیابان سیاسی تبدیل شده است و نیز حضور در انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف. اساساً خودِ حضور آنان نیز نوعی تبلیغ است.

خانه باید احیا شود؛

تأکید بر رفع ظلم خانگی و بازسازی کانون خانواده

نکته دیگری نیز وجود دارد؛ بلکه دو نکته دیگر. یکی اینکه حضرت آقا تأکید بسیار زیادی بر رفع ظلم خانگی علیه زنان داشتند؛ اینکه در بسیاری از خانه‌های ما، خانواده به محل ظلم تبدیل شده است و ایشان بسیار تأکید داشتند که این ظلم خانگی باید برطرف شود؛ حتی قانون‌گذار نیز باید بر این امر تأکید کند که راهکارهای قانونی برای مواجهه با این مسئله به تصویب برسد.

مسئله دیگر این است که خانه باید درواقع دوباره احیا شود. وقتی می‌گوییم خانه باید احیا شود، مقصود از این احیا، کنشگری فعال زن در درون خانه است. در الگوهای غربی، اساساً خانه حذف می‌شود و در الگوی سنتی، خانه اهمیت بسیار زیادی دارد؛ اما زن امروز ما برای اینکه بخواهد به آزادی‌های خود برسد، شاید در پی آن

گفت‌وگو

ه نظر به رویکرد رهبر شهید انقلاب در بحث «الگوی سوم زن»، ایشان چه گفتمان جدیدی را برای حل مسائل حوزه زن و خانواده در کشور تبیین کرده‌اند؟

درباره الگوی سوم زن که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌اللهه مطرح کرده‌اند، باید گفت که ما با دو نگاه به زنان مواجه بوده‌ایم؛ دو الگوی فکری؛ یک الگوی فکری، الگوی غربی بود که معتقد بود، آزادی زن اهمیت بسیار زیادی دارد و زن در درون مناسبات اجتماعی تعریف می‌شود.

الگوی سوم؛

عبور از دوگانه زنِ خانه‌نشین و زنِ خانه‌گریز

در این الگو، زن خانه‌گریز است و هویت و اصالت او فقط با استعدادهای فردی‌اش تعریف می‌شود. الگوی فکری دیگری نیز وجود داشت که همان الگوی سنتی نسبت به زنان است. این الگو زن را در درون خانه تعریف می‌کند؛ به‌نوعی خانه‌بسته و هویت او فقط در درون خانه معنا می‌یابد. در این نگاه، وقتی از زن سخن گفته می‌شود، مقصود این است که زن یا مادر است یا همسر. الگوی سومی که حضرت آقای شهید مطرح کردند و این الگو به‌تدریج تکمیل می‌شود تا به‌عنوان یک نظریه کامل بتواند مبنای سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی قرار گیرد، الگوی سوم زن است؛ یعنی نه الگوی غربی و نه الگوی شرقی. البته وقتی می‌گوییم غرب و شرق، منظورمان جغرافیا نیست؛ بلکه منظور ما دو الگوی فکری است.

الگوی سوم زن در پی آن است که یک الگوی جدید تعریف کند که در آن، زن نه خانه‌نشین باشد و نه خانه‌گریز؛ بلکه زنی باشد که هم هویت خود را در اجتماع به دست می‌آورد و هم در درون خانه.

عدالت جنسیتی در الگوی سوم؛

توجه هم‌زمان به اشتراک‌ها و تفاوت‌ها

یکی از مباحث مطرح در این الگو، توجه به عدالت جنسیتی است. هنگامی که ما از الگوی سوم زن سخن می‌گوییم، مقصودمان این است که عدالت جنسیتی با حفظ چارچوب اشتراکات میان زن و مرد و نیز تفاوت‌های آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

تفاوت ما با نظریات فمینیستی در این است که در آن نظریات، هنگامی که از عدالت جنسیتی سخن گفته می‌شود، تفاوت‌ها نادیده گرفته می‌شود و صرفاً بر اشتراک‌ها تأکید می‌شود.

در الگوی زن سنتی نیز بیشتر فقط بر تفاوت‌ها تأکید می‌شود و این تفاوت‌ها، بسیار برجسته بازنمایی می‌شوند؛ اما در الگوی سوم زن، ما هم به اشتراکات زن و مرد به‌عنوان انسان توجه داریم و هم تفاوت‌های آن‌ها را در نظر می‌گیریم.

مبنای نظری الگوی سوم؛

بازتعریف زن بر پایه محکمت‌دین

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که در این الگو وجود دارد، این است که الگویی که ارائه می‌شود، بر مبنای محکمت‌دین است. به این معنا که در الگوی تجددگرا نسبت به زن و حتی در برخی الگوهای دینی تجددگرایانه، احکام دینی به‌گونه‌ای مورد بازخوانی قرار می‌گیرد که همه‌چیز سیال و نسبی می‌شود و همه امور به عرف واگذار می‌گردد؛ اما در این الگو، تأکید بر این است– وقتی می‌گویم «ما»، مقصودم این است که بر مبنای سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهیدمان، این نکته را بیان می‌کنیم– که محکمت‌دین تأیید می‌شود و قرار نیست، بر این محکمت‌ها به دایره نسب‌ی‌گرایی کشیده شود؛ بلکه بر مبنای همان محکمت‌ها، یک الگوی جدید تعریف می‌شود.

زن در تراز تمدن اسلامی؛

هویت خانوادگی در کنار مسئولیت اجتماعی

روابط خانوادگی در این الگو بر اساس توافق است و زن در درون خانه دارای هویت است. در عین حال، این زن در مناسبات اجتماعی نیز دارای حق و تکلیف است؛ یعنی زنی که تمدن اسلامی می‌خواهد، زنی است که به تکالیف اجتماعی خود نیز توجه داشته باشد.

او باید در اجتماع حضور داشته باشد و در اجتماع نیز یک‌سری وظایف بر عهده دارد. اگر هم تعارضی میان اجتماع و خانواده وجود داشته باشد، تأکید بر این است که تا حد امکان این تعارض برطرف شود و باقی نماند.

در عین حال، این الگو به استقلال زن اهمیت می‌دهد، به آزادی فردی او اهمیت می‌دهد و بر حضور او در مناسبات اجتماعی تأکید می‌کند؛ اما در عین حال، از زن محجبه، عقیف و خانواده‌محور سخن می‌گوید.

از خانه تا خیابان؛

ظهور زنِ کنشگر در انقلاب اسلامی

اگر زنی استعدادهایی فراتر از این، مثلاً فراتر از حوزه خانواده داشته باشد، آن استعدادها نیز باید شکوفا شود و این زن، تکالیف اجتماعی هم دارد. این زن، زن سیاسی و اجتماعی است.

اساساً انقلاب اسلامی برای نخستین‌بار زن را از درون خانه به خیابان آورد؛ یعنی اعتراضات سیاسی که رخ داد، خیابان را به محمل حضور زنان تبدیل کرد و خیابان وجهی سیاسی پیدا کرد.

اکنون در دوره جنگ نیز وضعیت به همین‌گونه است. خیابان اکنون به یک خیابان سیاسی تبدیل شده است.



زن، مدیر مصرف خانواده؛ مقابله با تجمل‌گرایی از درون خانه
به نکته بسیار دقیقی اشاره کردید. یکی از وظایف زن در درون خانه، به‌عنوان مدیر داخلی خانواده، مدیریت مصرف و مدیریت اقتصاد خانواده است. زنی که برای خود هویتی قائل است و به‌دنبال رسیدن به کمال است، در دام چشم‌وهم چشمی و تجمل‌گرایی گرفتار نمی‌شود.

اما اگر زنی هویت خود را در نشان‌دادن خود به دیگران بداند و بخواهد، هویت خود را از این طریق ارضا کند و بخش زیادی از وقت خود را صرف دنبال‌کردن اینستاگرام و رسانه‌های اجتماعی کند و در پی رساندن خود به کمال نباشد، به‌صورت ناخودآگاه در دام تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی گرفتار می‌شود.

در فقه نیز می‌بینیم که بر اعتدال بسیار تأکید شده است؛ حتی در مباحث مربوط به نفقه و مانند آن، اعتدال اهمیت دارد. این امر باید الگویی برای زنان در درون خانواده و نیز برای مردان ما باشد؛ اما تأکید ما بر زنان از این جهت است که مدیریت مصرف و مدیریت اقتصادی خانواده در بسیاری از موارد بر عهده زن است؛ هم در ارتباط با فرزندان و هم در ارتباط با خود خانواده. زن با مدیریت صحیح مصرف، می‌تواند به اقتصاد و کشور کمک کند.

در گذشته، زنان سنتی ما نان می‌پختند و بسیاری از چیزها را در داخل خانه تهیه می‌کردند تا هزینه‌ها کمتر شود. اما متأسفانه در دوره جدید، زن ما بخشی از تکالیف اقتصادی خود را کنار گذاشته است؛ البته تکلیف به این معنا که بتواند اقتصاد خانواده را مدیریت کند. از سوی دیگر، به دام مصرف‌گرایی شدید نیز افتاده است. این مسئله واقعاً باید مدیریت شود و یکی از وظایف اصلی زن در درون خانواده، همین مدیریت اقتصاد و مدیریت مصرف در خانه است.

ه **با توجه به اینکه برخی نیروهای انقلابی نیز به‌طور کامل با دیدگاه رهبر شهید رحمته‌اللهه درباره زن و خانواده آشنا نیستند، رسالت بانوان طلبه در تبیین جامع این نگاه چیست؟ وظیفه آنان در معرفی این دیدگاه به جامعه متدین و انقلابی و همچنین افشار خاکستری و ناآشنا با این ادبیات کدام است؟**

بانوان طلبه؛

از زیست الگویی تا تولید گفتمان الگوی سوم زن

مهم‌ترین وظیفه، از همان آغاز، این است که خود آنان نیز این سبک زندگی را در پیش بگیرند و نسبت به آن التزام داشته باشند و آن را در زندگی خود پیاده کنند. برای مثال، بانوی طلبه‌ای که هم به خانواده خود اهمیت می‌دهد و هم به تربیت فرزندش توجه دارد، اما در عین حال بر رشد فردی خود و مناسبات اجتماعی‌اش نیز تأکید دارد، در عمل محجبه و عقیف است و در عین حال فردی است که به رشد خود اهمیت می‌دهد، خود می‌تواند یک الگو باشد؛ زیرا در عمل در حال نمایاندن یک سبک زندگی است.

طلبه‌ها از طریق حلقه‌های میانی نیز می‌توانند نقش‌آفرینی کنند؛ حلقه‌های میانی‌ای که میان حکومت و مردم قرار دارند، مانند مساجد، پایگاه‌های بسیج، خودِ خیابان که اکنون برای ما به یک خیابان سیاسی تبدیل شده است و نیز حضور در انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف. اساساً خود حضور آنان نیز نوعی تبلیغ است. یعنی هنگامی که حضور این بانوان در عرصه‌های اجتماعی، حضوری فعال و پرنگ باشد، خود این حضور موضوعیت پیدا می‌کند و این مسئله می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. از سوی دیگر، بسیاری از این بانوان، مبلغ هستند و از طریق گفت‌وگو با مردم و سخن‌گفتن با آنان، افزون بر الگویی که خود ارائه می‌دهند، به تبیین این نگاه نیز کمک می‌کنند.

برخی از بانوان طلبه نیز پژوهشگر هستند و باید پژوهش‌های خود را در این زمینه گسترش دهند و در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و رسانه‌ای، بر مبنای همین الگوی سوم حرکت کنند؛ زیرا الگوی سوم هنوز به‌عنوان یک نظریه خام مطرح است و هنوز نتوانسته به یک گفتمان مسلط تبدیل شود که در عرصه جهانی نیز مطرح باشد.

این یکی از وظایف بانوان طلبه است که بر روی این گفتمان کار کنند، شاخصه‌های آن را استخراج کنند، کتاب‌های مختلفی درباره آن بنویسند، در همایش‌ها، اعم از همایش‌های ملی و بین‌المللی شرکت کنند و در عرصه‌های تدریس، پژوهش و تبلیغ نقش‌آفرینی داشته باشند تا این الگو بتواند به‌عنوان یک الگوی رقیب در برابر الگوی زن غربی مطرح شود.

باشد که این خانه حذف شود؛ درحالی‌که ما در الگوی سوم بسیار تأکید داریم که خانه نه‌تنها نباید حذف شود، بلکه باید متناسب با رویکرد الگوی سوم زن و با بروز استعداها و شرایط زنان، احیا شود. ه **با توجه به تأکید امام شهید بر سبک زندگی خانواده‌محور و نیز آسیب‌های فروپاشی خانواده در غرب، چگونه می‌توان با بهره‌گیری درست از ظرفیت‌های رسانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، این الگو را در جامعه تبیین و تقویت کرد؟ همچنین، این سبک زندگی چگونه باید تعریف، تدوین و آسیب‌شناسی شود تا خلأ‌ها و نواقص آن به‌صورت کارشناسانه برطرف گردد؟**

رسانه؛ میدان اصلی بازنمایی سبک زندگی و خانواده

رسانه بسیار اثرگذار است؛ زیرا درواقع رسانه در حال بازنمایی است و مردم از طریق رسانه، با یک‌سری مفاهیم زندگی می‌کنند و آن‌ها را واقعیت می‌پندارند و این مسئله از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

اگر اکنون بخواهیم رسانه را در نظر بگیریم، باید همه ساحت‌های آن را مدنظر قرار دهیم؛ از صداوسیما گرفته تا شبکه نمایش خانگی، سینما، فضای مجازی و همه این موارد. من خودم به‌طور خاص، در این یک‌سال، پروژه‌ام بر بحث شبکه نمایش خانگی متمرکز بوده است. در آنجا می‌توان دید که رسانه چگونه در حال تأثیرگذاری است.

غیبت الگوی سوم در قاب رسانه؛

از خانواده متجدد تا خانواده پست‌مدرن

رسانه در حال ارائه تصویری از خانواده است. همان گفتمان‌هایی که وجود دارد، در رسانه نیز بازنمایی می‌شود؛ از جمله گفتمان خانواده متجدد که در رسانه بازنمایی می‌شود. همچنین گفتمان خانواده سنتی نیز بازنمایی می‌شود.

گفتمان دیگری نیز وجود دارد که خانواده‌ای سیال و پست‌مدرن را نشان می‌دهد و ادامه همان گفتمان متجدد است. اما در این میان، خانواده‌ای که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی باشد یا همان الگوی سوم زن، بازنمایی نمی‌شود. درنتیجه، مخاطب الگوی سنتی را به‌حساب اسلام می‌گذارد و سپس رسانه ما، اتفاقاً همان الگوی سنتی را به‌شدت تخریب می‌کند.

در مقطعی، رسانه بر الگوی متجدد تأکید می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که مخاطب به‌صورت ناخودآگاه با آن الگوی متجدد همراه می‌شد؛ اما اکنون متأسفانه از الگوی متجدد نیز عبور کرده و وارد الگوی پست‌مدرن شده است.

عشق سیال و قدرت اغواگر؛ روایت رسانه از سبک زندگی جدید ما مشاهده می‌کنیم که عشق و روابط سیال که مبتنی بر معرفت‌شناسی پست‌مدرن است، وارد شبکه نمایش خانگی ما شده است؛ یعنی در گذشته، عشقی که در دوران تجدد در رسانه ما بازنمایی می‌شد، دست‌کم عشقی فانتزی و مدرن بود؛ اما اکنون با نوعی عشق سیال مواجه هستیم؛ برای مثال نشان داده می‌شود که یک زن هم‌زمان به دو مرد علاقه‌مند است.

این ویژگی سیال و شکننده، از ویژگی‌های پست‌مدرن است و برخلاف کرامت فطری انسان، است. رسانه درواقع در حال بازنمایی سبکی از زندگی است که حتی اگر قصد تأیید آن را نداشته باشد، به‌گونه‌ای آن را بازنمایی می‌کند که مخاطب با آن همراه می‌شود. برای نمونه، در همان سریال‌ها و در شبکه نمایش خانگی، درسریال «زخم کاری»، مفهوم قدرت به‌گونه‌ای بازنمایی می‌شد که به‌صورت ناخودآگاه مشاهده می‌کردیم، جوانان ما با شخصیت‌هایی مانند «سمیرا» و «مالک» همراه می‌شوند؛ زیرا این شخصیت‌ها قدرتمند بودند و مخاطبان می‌گفتند: آنان بسیار قدرتمندند و هر کاری بخواهند، می‌توانند انجام دهند.

یعنی رسانه به‌صورت ناخودآگاه مخاطب را به‌سوی آن سبک زندگی سوق می‌دهد. در اینجا رسانه بسیار اثرگذار است و می‌تواند سبک جدیدی از زندگی را بازنمایی کند که با مفاهیم دینی ما، الگوی سوم زن و سبک زندگی اسلامی ما همراه باشد.

ه **با توجه به تأکید رهبر شهید بر مصرف بهینه و پرهیز از تجمل‌گرایی و نقش محوری زن در خانواده، چگونه می‌توان با محوریت بانوان، سبک زندگی مصرف بهینه را در خانواده اصلاح کرد؟ این امر به‌ویژه با توجه به بحران‌های اخیر در زمینه انرژی، آب و برق و لزوم توجه جدی به این مسائل در سطح کلان، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.**